



عکس: سجاد صفیری/ایران

## مقایسه دولت روحانی با دولت قبلی ساده لوحانه است

می‌گذرد ایران با حضور کیانوش عیاری، محسن امیر یوسفی و پرویز جاهد درباره سینمای ایران در سال ۹۵ و «کاناپه»

در بند توقیف ماندن‌شان از عصبانی نیستم تا ادا تمند؛ نازنین، بهاره، تینا و از خانه پدری تا خانه دختر و از رستخیز تا آشغال‌های دوست داشتنی همچنان ادامه دارد. اهالی سینما قدران اختیار خوش گیشه و طرفه هنر و تجربه هستند اما همچنان مطالبه‌گرند و انتظار ایشان پابرجاست. توقع‌شان از مدیریت سینمایی دولتی که با حمایت حد اکثری آنها شکل گرفت و در بزنگاه‌های مختلف ادامه داشت، حمایت از آنها در برابر خط و نشان کشی دلوپسان به میدان آمده است. برای شنیدن بخشی از این خواسته‌ها و حقوق قانونی فیلمسازان مستقل، با کیانوش عیاری و محسن امیر یوسفی به عنوان دو فیلمساز که فیلم‌هایشان در محاق توقیف مانده‌اند هم صحبت شدیم و از آنها درخواست کردیم تا در گفت‌وگویی با پرویز جاهد منتقد شناخته شده سینما ضمن مرور کلی این کارنامه ۴ ساله از شرایط اکران فیلم‌هایی بگویند که به نظر می‌رسد در کم‌ماندن‌شان به پاشنه آشیل مدیریت سینمایی تبدیل شده است.

پایان رسید اما از آن سو پس از سال‌ها، خسرو سینایی به «جزیره رنگین» میهمان‌مان کرد و بهمن فرمان‌آرا پس از ۸ سال با «دلم می‌خواد» اش پشت دوربین رفت. اگر چه سرنوشت این فیلم و آثار مشابه، پایانی باز برای قصه امید رقم زد. روشن شدن تکلیف فیلم‌های توقیفی از همان روزهای نخست دوره مدیریت سینمای تدبیر و امید به روشن ماندن چراغ امید اهالی سینما گره خورد؛ انتظاری که با اکران «قصه‌ها» ی بانوی رخشان سینما، بنی اعتماد، سوسوی امیدی زده چنان باقی است. اما قصه رفع توقیف دیگر فیلم‌ها همه اپیزودیک و تکراری است. یک روز خبر می‌رسد فیلم‌ها توقیف شده‌اند، روز بعد اعلام می‌شود که پروانه نمایش دارند و اکران نمی‌شوند. خبر بعدی از اکران قطعی ولی نامشخص بودن زمان نمایش حکایت داشت و روز بعد اما روز کمیسیون فرهنگی مجلس بود تا از ایستادگی جلوی اکران فیلم‌ها بگوید. در یک سال گذشته با تغییر ترکیب نمایندگان مجلس امیدها برای اکران این فیلم‌ها دوباره زنده شد اما روایت



نرگس عاشوری

خبرنگار

«بعد نومی‌بی بسی امیدهاست...» تک بیت مولانا مانیفست ما ایرانی‌هاست. دل خوش‌مان می‌کند که همراه با هر سختی گشایشی است. تیرگی، هاکه اوج می‌گیرند چشم انتظار نشانه‌های صبح می‌مانیم. همین باور در روزهایی که نام‌ها و نامه‌ها از حال بد سینما حکایت داشت امید به جان اهالی سینما دواند که شاید تدبیر و امید گره از بخت فرو بسته سینما بگشاید. گشایش قفل خانه سینما به فال نیک گرفته شد و برای فراخی راه سینما اهالی آن به امید برخاستند. زیر چتر امید زمزمه‌های همدلانه شنیده می‌شد بلکه فصل نادیده و ناشنیده شمردن دیگری پایانی خوش یابد. وعده بازگشت بزرگان به سینما اگر چه برای کسانی مثل بهرام بیضایی در حد وعده ماند و «مقصد» بدون آغاز به